



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۸/۰۵

استاد اسحق نگارگر

یتیم افغانستان چه وقت از شرّ این همه قیّم و سخنگوی خلاص میشود؟



صدراعظم پاکستان در افغانستان خواستار یک حکومت «بیطرف» شده است ولی هیچ مقام رسمی جهانی تا هنوز به او نگفته است که حذوّد بشناسد و بیهوده خود را مگس دوع تشکيل حکومت در یک کشور دیگر نسازد.

روزگاری بود که کار سیاست درجهان به ابتدال امروز استحالہ نکرده بود و سیاستمداران سنگین و صاحب تمکین ان روزگار از مداخله در امور دیگر کشور ها خودداری میکردند. جنگ سرد در سیاستهای بین المللی آنروزگارسه تمایل محسوس و ملموس را مشخص کرده بود:

تُخت اردوگاه کشورهای غربی به سرکردگی امریکا بود که رقبایش در اردوگاه مخالف آنرا «اردوگاه امپریالیزم» میخواندند ولی خود را «اردوگاه صلح و سوسیالیزم» می نامیدند.

اردوگاه امپریالیزم و اردوگاه سوسیالیزم که بعد ها در اواخر دهه پنجاه و اوایل دهه شست چین که هنوز واقیتهای جهان را از عینک اندیشه های مائو میدید این اردوگاه صلح و سوسیالیزم را اردوگاه «سوسیال امپریالیزم» لقب داده بود که پس

از سفر تاریخی نکسن به چین مائوتسه تونگ نیز از هذیانهای انقلابی دست کشید و دوستی با امریکا را اصل متبازر سیاست خارجی خود ساخت و مدعی بود که چین در امورداخلی دیگر کشور ها دست درازی نمیکند ولی چندان بدین اصل وفادار نماند و هنگام آزادی بنگله دیش تمایل آزادی طلبی مردم را در نظر نگرفت و با شیخ مجیب الرحمان به نفع پاکستان مخالفت نمود. به هرصورت در آن روزگار صف ها مشخص بود برخی از کشور ها به اردوگاه امپریالیزم رشته ارتباط مُحکم کرده بودند و برخی کودتا های چپی در الجزایر، حبشه و یمن که به اصطلاح روسها «راه رُشد غیر سرمایه داری» و در حقیقت امر راه رُشد سرمایه داری دولتی را برگزیده بود. و برخی هم به نام کشور های غیر متعهد صف جداگانه تشکيل داده بودند که افغانستان؛ اندونیزیا و هند در همین ردیف بودند. سرمایه داری دولتی که در بطن خود دفتر سالاران رشوه خوار و فاسد پرورده بود این دولت ها را از پا افگند و این همان فساد اداری بود که نظام شوروی را نیز بالاخره با سقوط روبه رو کرد و اردوگاه غرب را زیر چتر امریکابه یگانه ابر قدرت بی رقیب بدل کرد و نوعی صف بندیهای تازه را در سیاست جهانی بوجود آورد. متحدان سابق شوروی که دیگر از حلقه استعماری بیرون جسته و دولتهای مستقل ملی به وجود آورده بودند یکه پریکه پر به اردوی امریکا و ناتو پیوستند. دولت فدراتیف روسیه که در خطر تجزیه قرار گرفته بود در لاک خود خزید و در سیاست جهانی به خروس اخته بدل شد یعنی من باتو کار ندارم و توهم بامن کار نداشته باش. چین نیز که بعد از دن سیائوپنگ به یک قدرت بزرگ اقتصادی بدل شده بود و تازه مزه نفوذ خپ و چپ در آسیا و افریقا را میچشید.

افغانهای مغرور با رهبرانیکه در پاکستان و ایران بدون هرگونه رقابت به مقام رهبری تنظیم ها که نظم و انضباط حزبی نداشتند پس از سقوط شوروی شکار پاکستان و ایران شدند و این هردو کشور تصمیم گرفتند که میوه پیروزی بر شوروی را از چنگ افغانها برابند و خود را به قیّم و سخنگوی یتیم افغانستان بدل کردند و پاکستان مدعی شد که قدرت به دست تاجک ها افتاده و پشتونها در قدرت سهمی ندارند و ایران نیز درفش دفاع از تشیع را برافراشت و بدین ترتیب موضوع صلاحیت و کفایت در قدرت دولتی از میان رفت و قدرت به حساب قومیت و مذهب تقسیم شد. پاکستان با نظام طالبان کاملاً به مقصود خود رسید و اصل بیطرفی را در سیاست افغانستان کاملاً از بین بُرد و بنابراین افغانستان را حوزه طبیعی نفوذ خود میداند و رابطه سیاسی افغانستان را با رقیب خود هند صدمه زده است.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له الیرلو مخکې په خیر و لولئ

افغانستان یک وزیر خارجه نبرومند وفارغ از نفوذ خارجيان ندارد که داد افغانستان را به مجامع بين المللی برساند و آن بيطرفی عنعنوی دوستی با همه را برحال کندو افغانستان را از زندان نفوذ پاکستان و ايران هردو آزاد سازد. درچنين حال اگر قدرت به دست طالبان بيفتد برای افغانستان بزرگترین فاجعه تاریخی رخ ميدهد. سیاستمداران جوان حساسیت این موضوع را در نظر بگیرند و قبل از هر کار افغانستان را از خط سیاست قومی و مذهبی بیرون آرند و پرنسپ اهلیت و کفایت را حاکم سازند و به امریکا، پاکستان، ايران و روسیه وانمایند که این ملت به حساب جنگهای دراز مدت محتاج است ولی غرور و حیثیت ملی خود را به هیچ قیمت و به هیچ کشور نمی فروشد. افغانستان نیازمند اصلاحات فوری اقتصادی و سیاسی است و در درجه نخست همه کمک های اختلاس شده خارجی را ازچنگال غصبهای انفرادی باید نجات بدهد و اشخاص مسؤول را به محاکمه بکشاند که اعتماد خلل یافته مردم احیاء شود.

فاعتبروا یا اولی الابصار
۴ آگست ۲۰۱۹ نگارگربرمنگهم